

فضول باشی و جشنواره زیبایی اسب

فضول باشی وقتی من را دید با عصبانیت گفت: مرد مؤمن به تو چه ربطی دارد که جشنواره اسب در کجا برگزار می‌شود. تو را سنه نه! مدیر کلی، استانداری، معاون وزیری، تو اصلا چه کاره‌ای، مگر خبر نداری در این آشفتگی اوضاع و در روزهای آخر عمر دولت دوازدهم، هر مدیری خودش را مالک مطلق زیر مجموعه‌اش می‌داند و به هر ترتیبی که بخواهد، رفتار می‌کند. برو دنبال گذران زندگیاات و این قدر سعی نکن که به دست و پای برخی‌ها بپیچی. مواظب باش گوشمالیات ندهند. یعنی تو دلسوزتر از مسئولین به ورزش استان هستی؟ اسب‌های گرانقیمت باید جایی برای مانور دادن، پیاده روی و بعضا انجام حرکتهای موزون داشته باشند. تصمیم گرفته شده، تو هرچقدر بیشتر بنویسی، دست اندرکاران امر برای توجیه، کمر همت خواهند بست و از عبارت و کلماتی استفاده خواهند کرد که تأسف آور خواهد شد.

گفتم: فضول باشی چرا باید نشست و گوش به یک سری حرفهای بی‌اساس داد. سکوت در قبال سخنانی که مطمئنا خیلی‌ها از شنیدنش خنده بر روی لبانشان نقش می‌بندد، کار صحیحی نیست. پذیرش چنین حرفها یعنی مهر حمایت بر پیشانی خود زدن. من فقط می‌خواهم بگویم که دوستان من احمق نیستم و می‌فهمم، حالا شما شب و روز داد بزنید و به دوستان و اطرافیان دستور مصاحبه بدهید تا با استفاده از کلمات مختلف بگویند که راه رفتن اسبها بر روی چمن مانعی ندارد.

گفت: بعضی وقتها حرفهایی زده می‌شود که "پیشمیش تویوخون گولمیی گلیر". می‌دانم چه می‌گویی این که در ورزشگاه آزادی در زمین چمن جشنواره اسب برگزار شده است. این جاست که آدم خیلی اذیت می‌شود. در زمینی که اجازه نمی‌دهند دو روز پشت سر هم یک مسابقه فوتبال برگزار بشود، آیا مجوز حضور اسب و قدم زدن آن را صادر می‌کنند؟ جل الخالق عجب حرفهایی می‌شنویم. آنهایی که مدعی هستند، یک عکس از ورزشگاه یک صد هزار نفری آزادی و زمین چمن آن در حال رژه اسبها منتشر بکنند. چقدر برخی از مسئولین برای فرار از پاسخگویی و به جای اعتراف به اشتباه فقط حرف می‌زنند و به تبعات آن فکر نمی‌کنند.

گفتم: فضول باشی گفته‌اند که این کار در شهر لندن هم انجام شده، جان مادرت اگر خبر داری که کدام ورزشگاه فوتبال بوده بگو تا ما هم

بدانیم، نکند ورزشگاه ویمبلی بوده است. مگر در لندن زمین‌ها و پیست‌های اسب سواری وجود ندارد و آنها چون شهر ما درگیر کمبود امکانات و زیر ساخت‌ها هستند؟

گفت: من کاری به این کارها ندارم. خلاصه جمعی پولدار عاشق اسب و پرورش آن به شهر ما می‌آیند و اگر زیاد حرف بزنی می‌گویند با گردشگری ورزشی مخالف هستی، برو به زندگی بچسب، تا زمانی که تعدادی از افراد به ظاهر ورزشی دانسته و یا ندانسته مأموریتی چون تأیید تصمیم مسئولین و دست اندرکاران را داشته باشند تغییر در امور جاری ورزش و رزشی‌ها غیر ممکن خواهد بود.

گفتم: حرف‌های تو صحیح ولی از تو خواهش می‌کنم مطالعه کن، جستجو کن ببین در کشورهای چوَن آلمان، اسپانیا، سوئد و دانمارک که ورزشگاه‌ها و زمین‌های فوتبال مناسبی دارند از جشنواره زیبایی اسب میزبانی نکرده اند؟ و اگر جواب شما منفی بود حتما تجربه دست اندرکاران این جشنواره را به کل جهان معرفی بکن تا آنها فرصت را از دست ندهند و دعاگوی وجود نازنین تو بشوند.

حالا به یک حکایت توجه کن:

شخصی در حمام، رفیق دروغگویی را که مدتی در سفر بوده ملاقات نمود.

گفت: رفیق مدتی است تو را نمی‌بینم.

گفت: بله، چندی است که در تعقیب دزدان بوده‌ایم.

پرسید: چرا پایت مجروح شده؟

گفت: در سوارس اسب ساییده شده است.

گفت: در سواری اسب پاها از طریق داخل ساییده می‌شود و جراحات پای تو از خارج است.

گفت: بله در مراجعت از تعقیب دزدان ساییده شده است!! !